فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و پنجم، تابستان ۱۴۰۵- صفحات ۵۸۰-۵۶۱

بررسی تطبیقی وکالت و تفویض در نظام ثبت رسمی و تأثیر آن بر اعتبار اسناد در نظام بانکی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

سیاوش مددی[۱]
زهرا تجری موذنی[۲]
علی اکبر اسمعیلی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰

چکیده

در نظام حقوقی ایران، تنظیم اسناد وکالت در دفاتر اسناد رسمی (سند رسمی) به آن‌ها اعتبار ویژه‌ای می‌بخشد که بر اساس آن، نمایندگی وکیل در حدود اختیارات محوله، در حکم نمایندگی خود موکل تلقی می‌شود. چالش اصلی زمانی بروز می‌کند که وکیل اصلی اقدام به تفویض اختیارات خود به وکیل ثانوی (یا اصطلاحاً، وکالت در توکیل) می‌نماید. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مفهوم وکالت و تفویض آن در نظام ثبت رسمی ایران و تأثیر عملی آن بر اعتبار اسناد مورد پذیرش نظام بانکی صورت گرفته است. در حقوق ایران، اعتبار این تفویض منوط به تصریح در وکالت‌نامه اولیه و رعایت اصول مربوط به نمایندگی است. این مقاله با مقایسه رویکرد ایران با نظام کامن‌لای انگلستان، نشان می‌دهد که چگونه تفاوت در ماهیت ثبت رسمی و لزوم یا عدم لزوم آن در نمایندگی‌های حقوقی، بر میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها در پذیرش اسنادی که اعتبار آن‌ها وابسته به زنجیره نمایندگی است، تأثیر می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه نظام ثبتی ایران امنیت اسناد را ارتقا داده، اما ابهامات پیرامون تفویض وکالت می‌تواند خلأهای اعتباری در معاملات پیچیده بانکی ایجاد کند که نیازمند تدوین رویه‌های قضایی منسجم‌تر یا اصلاحات قانونی است.

واژه‌های کلیدی: وکالت، تفویض وکالت، سند رسمی، نظام ثبتی، اعتبار اسناد بانکی، نماینده جانشین
طبقه‌بندی JEL: B22, C82, F45

---

۱ گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
siavash.madadi@iau.ac.ir
۲ گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)
Zahra.TajariMoazeni@iau.ac.ir
۳ گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
a.esmaeile@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

مقدمه

۱. طرح مسئله و اهمیت موضوع

اعتبار معاملات در هر نظام اقتصادی متکی بر اعتبار اسنادی است که حاکم بر آن معاملات هستند. در حقوق ایران، اسناد تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی به دلیل تشریفات شکلی خاص و نظارت مستقیم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، از بالاترین درجه اعتبار برخوردارند. این اسناد، به ویژه در نظام بانکی که با ریسک‌های مالی عظیمی سر و کار دارد، به عنوان ادله محکم در اعطای تسهیلات، تنظیم قراردادهای رهنی، و اجرای ضمانت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۳۴۱).

موضوع وکالت، به عنوان یکی از مهم‌ترین عقود مبتنی بر نمایندگی، نقشی محوری در تسهیل روابط اقتصادی ایفا می‌کند. با این حال، هنگامی که دایره نمایندگی از وکیل اصلی فراتر رفته و به شخص ثالثی تفویض می‌شود، مسئله پیچیدگی‌های حقوقی پیدا می‌کند. این امر به ویژه در وکالت‌های بانکی که اغلب شامل اختیارات گسترده‌ای در خصوص اموال، انتقال اسناد، و تعهدات مالی است، اهمیت مضاعفی می‌یابد. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا تفویض وکالت، ماهیت سند رسمی اولیه را تضعیف می‌کند؟ پرسش دیگر این است که در صورت بروز اختلاف، اعتبار اسناد مبتنی بر تفویض وکالت در برابر ادعای بانک تا چه حد است؟

۲. مروری بر ادبیات پژوهش

ادبیات حقوقی ایران به تفصیل به ماهیت وکالت پرداخته است (امامی، ۱۳۸۵). با این وجود، تمرکز عمده بر وکالت مستقیم بوده و تحلیل مستقلی که تفویض وکالت را در بستر اسناد رسمی و به طور خاص بر اعتبار اسناد بانکی (که غالباً بر اساس قوانین خاص تنظیم می‌شوند) متمرکز کند، محدود است. تحقیقات موجود بیشتر بر جنبه‌های فقهی و موازین قانون مدنی متمرکز بوده‌اند و کمتر به تعامل این مفهوم با مقررات ناظر بر اسناد بانکی و ریسک‌های اجرایی پرداخته شده است (شهیدی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۵). ادبیات تطبیقی نیز بیشتر بر تفاوت‌های ماهوی نمایندگی در نظام‌های مختلف متمرکز بوده و اثر مستقیم آن بر «ثبت رسمی» در ایران کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است.

۳. هدف، سؤالات و روش تحقیق

هدف این پژوهش، تبیین حدود اعتبار وکالت و تفویض آن در نظام ثبت رسمی ایران و سپس مقایسه این رویکرد با نظام حقوقی انگلستان (کامن‌لا) برای ارزیابی میزان امنیت اسناد فراهم شده توسط آن است.

سؤال اصلی این است که :آیا تفویض وکالت در اسناد رسمی، اعتبار اجرایی آن‌ها را در نظام بانکی ایران به میزانی تحت تأثیر قرار می‌دهد که بانک‌ها را ملزم به اخذ نمایندگی مستقل نماید؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

روش تحقیق این مقاله، توصیفی-تحلیلی برای تبیین مبانی حقوقی ایران و تطبیقی برای بررسی نظام انگلستان خواهد بود.

بخش اول: مبانی نظری وکالت و تفویض در فقه و حقوق ایران

۱ .ماهیت حقوقی وکالت و تفویض در فقه، قانون مدنی و قانون ثبت

در هر دو فقه شیعه امامیه و فقه عامه، برخی از اندیشمندان در تعریف «وکالت»، این مفهوم را شکلی از «تفویض» (واگذاری اختیار) دانسته‌اند.

ابن حمزه طوسی به عنوان نخستین فقیه امامی، وکالت را این‌گونه تعریف کرده است: «تفویض یا سپردن یک امر به دیگری» (طوسی، ۱۴۰۸، ص. ۲۸۲).

در میان فقهای معاصر امامیه نیز، تعابیر مشابهی با آنچه ذکر شد، مشاهده می‌شود (توحیدی، ۱۳۶۶، ص ۷۳؛ خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۷). همین معنا در کتاب «تحفه الطالبین» که در فقه شافعی نوشته شده نیز تأیید شده است؛ در آن کتاب، وکالت به این صورت تعریف شده است: «عبارت از تفویض امری از جانب شخص به دیگری» (کوزه بانکی، ۱۳۷۲، ص. ۱۵۵). فقهای مالکی نیز با تقسیم‌بندی سه‌گانه، «توکیل» را یکی از اقسام تفویض معرفی کرده‌اند(جزیری، ۱۴۰۶، ص. ۳۷۶–۳۷۷).

رابطه بین «تفویض» و «توکیل» تا حدی نزدیک است که در برخی متون فقهی، این دو اصطلاح در کنار یکدیگر و به صورت مترادف به کار رفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۹، ص. ۲۲۰؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۹، ص. ۱۱۷)

در حقوق ایران، ماده ۱۲۵ قانون تجارت (ل.ا.ق.ت.) بیان می‌دارد: «مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.»

در این ماده قانونی، مراد از «تفویض»، با توجه به واژه «نماینده» که در ادامه آمده، در واقع «توکیل» است (عیسائی تفرشی، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۵).

مطابق ماده (۶۵۶) قانون مدنی ایران نیز: «وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید .» بنابراین می توان گفت: «وکالت نیابت خاصی است که یکی از طرفین (موکل) به دیگری (وکیل) اعطا می‌کند تا در مدت حیات خود در امری تصرف نماید.» وکالت یک عقد رضایی است، اما هنگامی که موضوع وکالت، انجام تشریفاتی است که قانون برای آن‌ها شکل خاصی (مانند ثبت در دفتر اسناد رسمی یا تنظیم اسناد رسمی) تعیین کرده است، خود وکالت نیز باید تابع تشریفات اسناد رسمی گردد تا اعتبار لازم را کسب کند (بندری، ۱۳۹۶، ص. ۴۵).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

نکته کلیدی در تفاوت وکالت و تفویض وکالت است. تفویض وکالت (یا وکالت در توکیل)، یعنی وکیل اصلی اختیارات حاصل از وکالت را به شخص ثالثی واگذار کند. در فقه امامیه و حقوق ایران، اصل بر این است که وکیل، نماینده مستقیم موکل است و نه وکیلِ وکیل. این اصل ریشه در طبیعت عقد وکالت دارد که مبتنی بر اعتماد شخصی موکل به وکیل منتخب خود است. در این قسم از تفویض،کلیه احکام و آثار مربوط به عقد وکالت در رابطه میان مفوض(موکل) و مفوض الیه(وکیل)برقرار خواهد بود. (پارساپور و عیسایی تفرشی، ۱۳۹۰)

ماده ۶۷۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: « وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن وکیل در توکیل باشد.»

این ماده دو حالت را بیان می نماید:

الف- وکالت صریح در توکیل[1]: اگر موکل صراحتاً در سند وکالت اولیه (که در صورت لزوم رسمی است)، به وکیل اجازه تفویض داده باشد، تفویض صحیح است و وکیل ثانوی مستقیماً نماینده موکل محسوب می‌شود. در این حالت، رابطه نمایندگی از موکل به وکیل ثانوی برقرار است و وکیل اصلی صرفاً واسطه اعطای اذن بوده است.

ب-وکالت ضمنی یا عدم اذن[2] : در صورت عدم صراحت، وکیل حق توکیل ندارد. اقدام به تفویض در این حالت، باطل یا حداقل غیرنافذ تلقی می‌شود. در این حالت، وکیل ثانوی در واقع نماینده وکیل اصلی محسوب می‌شود، نه موکل. این بدان معناست که وکیل ثانوی با وکیل اصلی قرارداد انجام کار را دارد، نه با موکل اصلی. این تفاوت مبنایی در اعتبار اسناد تنظیمی توسط وکیل ثانوی ایجاد می‌کند.

۲.شرایط تفویض وکالت

در بررسی شرایط تفویض جهت تعیین مرزها و حدود آن، می‌توان به چند نکته اساسی اشاره کرد. نخست، باید دانست که تفویض ماهیتی قراردادی دارد و در نتیجه تابع قواعد عمومی قراردادهاست؛ از این‌رو، در اینجا از بررسی آن مقررات عمومی صرف‌نظر می‌شود. دوم، نسبت میان مفهوم «وکالت» و «تفویض» از دیدگاه منطق، نسبت «عموم و خصوص مطلق» است؛ به این معنا که هر تفویض، مستلزم وجود وکالت است، اما هر وکالت الزاماً شامل تفویض نمی‌شود. بنابراین، در این بحث تمرکز بر شرایط اختصاصی تفویض خواهد بود و شرایط عمومی وکالت مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

1 Sub-delegation with express authority
2 Lack of Authority for Sub-delegation

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

اصلی‌ترین شرط در تحقق تفویض، وجود اختیار توکیل و تفویض به‌غیر در محدوده اختیارات وکیل است. وکیل تنها زمانی می‌تواند فرد دیگری را برای انجام مورد وکالت برگزینَد که از سوی موکل صراحتاً یا به‌طور ضمنی مأذون به این اقدام باشد (صافی، ۱۴۲۰). این الزام ریشه در ماهیت اذنی عقد وکالت دارد؛ زیرا وکالت موجب ایجاد حق مستقلی برای وکیل نمی‌شود تا بتواند آن را به دیگری منتقل نماید. (یزدی، ۱۴۲۰ هـ‌ق؛ حلی، ۱۴۱۸ هـ‌ق) افزون بر این، شخصیت وکیل در عقد وکالت نقشی اساسی دارد؛ موکل بر پایه اعتماد به صلاحیت وکیل، به او اذن می‌دهد و نمی‌توان انتظار داشت این اعتماد بدون رضایت موکل به دیگری منتقل شود.

از همین رو، اصل بر عدم وجود اختیار توکیل برای وکیل است، مگر آنکه صریحاً یا به موجب قرائن معتبر از جانب موکل چنین اختیاری تفویض شده باشد. ماده ۶۷۲ قانون مدنی نیز در تأیید این امر مقرر می‌دارد:

«وکیل در امری نمی‌تواند برای آن امر به دیگری وکالت دهد مگر اینکه صریحاً یا به دلالت قرائن، وکیل در توکیل باشد.»

چنانچه اختیار توکیل به‌صورت صریح ذکر شده باشد، در وجود این اختیار تردیدی نخواهد بود (انصاری، ۱۴۲۰ هـ‌ق). با این حال، قانون و فقه صرف تصریح را شرط نمی‌دانند و اراده ضمنی نیز می‌تواند دلالت بر جواز توکیل داشته باشد. برای نمونه، اگر موکل در بیان حدود اختیار وکیل عباراتی چون «به هر نحو که صلاح دیدی عمل کن» را به کار برده باشد، یا شرایطی وجود داشته باشد که نشان دهد اقدام مستقیم وکیل به‌لحاظ شأن یا استطاعت وی ممکن نیست، این موارد می‌توانند قرینه‌ای بر وجود اختیار توکیل‌به‌غیر تلقی شوند (شهید ثانی، ۱۳۸۷).

حال، چنانچه وکیل بدون داشتن حق توکیل، شخصی دیگر را مأمور انجام مورد وکالت کند، عمل وکیل دوم فضولی محسوب می‌گردد. در صورت ورود خسارت به موکل، ماده ۶۷۳ قانون مدنی حکم می‌کند که هر یک از وکیل اول و شخص ثالث در برابر موکل، در حدود نقش سببیت خود مسؤول خواهند بود. نوع مسؤولیت وکیل اول در قبال موکل قراردادی و در خصوص رابطه موکل با وکیل دوم قهری است، ولی قانونگذار این تفکیک را عملاً نپذیرفته و تحقق مسؤولیت را منوط به وجود رابطه سببیت کرده است.

اختیار توکیل مانند دیگر اختیارات وکیل وابسته به اذن موکل است و همان‌گونه که وکیل قابل عزل است، می‌توان این اختیار را نیز از وی سلب نمود. اگر موکل، پس از اعطای حق توکیل، آن را لغو کند و سپس وکیل بدون اطلاع از این تصمیم به توکیل دست زند، آیا توکیل صحیح است؟ در پاسخ باید

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

گفت اگر سلب اختیار توکیل را نوعی عزل جزئی وکیل بدانیم، ماده ۶۸۰ قانون مدنی راه حل را ارائه کرده است: «تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید، نسبت به موکل نافذ است.»

بنابراین تا زمانی که وکیل از سلب حق توکیل آگاه نشده باشد، اختیار وی معتبر است و اقدام او در توکیل، صحیح تلقی می‌شود.

۳. سند رسمی به عنوان ابزار اجرای وکالت (تأکید بر ماده ۶۷۲ ق.م)

اعتبار اسناد بانکی در ایران قویاً به رسمیت شناخته شدن وکالت‌نامه‌های آن‌ها وابسته است. هنگامی که وکالت‌نامه در دفتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود (سند رسمی)، این سند بر اساس ماده (۷۰) قانون ثبت اسناد و املاک[۱]، دارای حجیت قانونی است و در مراجع رسمی و قضایی، اعتبار سند رسمی را دارد. این بدان معناست که انتساب عمل حقوقی به موکل، بدون نیاز به اثبات امضا و اراده، فرض می‌شود.

در مورد تفویض، این حجیت زمانی حفظ می‌شود که تفویض مطابق با مفاد وکالتنامه اصلی صورت پذیرد. اگر تفویض با اذن صریح صورت گیرد، وکیل ثانوی با استناد به وکالتنامه اصلی (که رسمی است) و سند تفویض (که معمولاً در دفاتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود)، عمل حقوقی را انجام می‌دهد. اعتبار سند ، اعتبار سند رسمی اولیه را به ارث می‌برد.

اما اگر تفویض بدون اذن صورت گیرد، وکیل ثانوی در حقیقت عمل فضولی انجام داده است (اگرچه با اجازه وکیل اصلی). اعمال او بر دارایی موکل اصلی، نافذ نیست مگر با تنفیذ بعدی موکل. در این حالت، اسناد تنظیمی توسط او در مقام نمایندگی از موکل، فاقد حجیت سند رسمی خواهند بود و صرفاً اعتبار «عادی» یا «استناد به عمل فضولی» را دارند که برای عملیات بانکی ریسک بالایی محسوب می‌شود.

بانک‌ها در اعطای تسهیلات ملزم به رعایت اصل احتیاط هستند و اعتباری که وابسته به تنفیذ آتی باشد، مورد پذیرش نیست.

---

۱ ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد و املاک (اصلاحی ۰۷/۰۵/۱۳۱۲): «سندی که مطابق قوانین به ثبت رسیده رسمی است و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در آن معتبر خواهد بود مگر اینکه مجعولیت آن سند ثابت شود.... ».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۴ .تحلیل جایگاه تفویض وکالت توسط وکیل رسمی (تأثیر بر اعتبار اسناد تنظیمی)

نظام بانکی عموماً اسناد تنظیمی توسط وکلای رسمی را می‌پذیرد، زیرا ثبت رسمی خود تضمینی بر احراز اهلیت و قدرت وکیل توسط سردفتر است. اما در تفویض، سردفتر دوم (یا در معاملات بانکی، خود کارشناسان حقوقی بانک) باید اطمینان حاصل کند که وکیل اولیه واقعاً حق تفویض داشته است. یکی از مشکلات اصلی در رویه ایران، ابهام در تفسیر عبارت «اذن صریح» است. سؤال این است که آیا تفویض وکالت به یک شرکت حقوقی برای انجام امور بانکی، بدون ذکر نام شرکت، ذیل اذن عام در وکالتنامه اولیه (مثلاً برای خرید و فروش) می‌گنجد؟ حقوقدانان معتقدند که وکالت صرفاً ناظر بر عملی است که موکل به وکیل تفویض کرده است و تفویض اختیارات گسترده، نیازمند اذن مجدد یا بسیار واضح است.

اگر تفویض صورت نگیرد (تخلف از ماده ۶۷۲ ق.م) و وکیل ثانوی با استناد به وکالتنامه اصلی اقدام کند، بانک با سندی روبروست که از حیث نمایندگی، معلق یا غیرنافذ است. در صورت بروز اختلاف، وکیل اصلی می‌تواند ادعا کند که عمل وکیل ثانوی او را ملزم نمی‌کند، چرا که وکیل اصلی مجاز به تفویض نبوده است. این امر کل زنجیره اعتباری که بر پایه سند رهنی یا ضامنی تنظیم شده است را تهدید می‌کند.

بخش دوم: مطالعه تطبیقی – وکالت و تفویض در نظام کامن‌لا (انگلستان)

برای درک بهتر اهمیت «ثبت رسمی» در ایران، لازم است رویکرد نظام‌های حقوقی رومی-ژرمنی و کامن‌لا مقایسه شود. در نظام کامن‌لا، به ویژه در انگلستان، مفهوم نمایندگی مبتنی بر وکالتنامه[1]، نقش محوری دارد.

۱ .مفهوم نمایندگی مبتنی بر وکالتنامه و تفویض[2] در کامن‌لا

در نظام کامن‌لا، اعتبار اسناد نمایندگی بیشتر به امضا، شهادت و محتوای سند[3] وابسته است تا ثبت رسمی دولتی (اگرچه در برخی موارد خاص مانند انتقال املاک، ثبت الزامی است).

نمایندگی مبتنی بر وکالتنامه در حقوق انگلستان می‌تواند دو نوع اصلی داشته باشد:

1 Power of Attorney (POA)
2 Sub-delegation
3 Granting Clause

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

الف) وکالتنامه تام الاختیار[۱]: که به موجب آن اختیارات گسترده‌ای به وکیل تفویض می‌شود.[۲]
ب) وکالتنامه دائمی (مستمر)[۳]: این وکالتنامه با فوت یا عدم اهلیت موکل[۴] باطل نمی‌شود و همچنان اعتبار دارد.[۵]

در نظام حقوقی مبتنی بر کامن‌لا، اصل کلی بر این است که «وکیل[۶] نمی‌تواند اختیارات خود را به شخص ثالثی تفویض کند مگر اینکه صراحتاً به او اجازه داده شده باشد.» [۷]

در حقوق کامن‌لا، اصل سنتی این است که وقتی یک شخص (مُوَکِّل) به دیگری (وکیل) اختیاری را تفویض می‌کند، این تفویض بر اساس اعتماد شخصی[۸] شکل گرفته است.[۹] بر این اساس، وکیل حق ندارد آن اختیار را به شخص دیگری (وکیل فرعی)[۱۰] واگذار کند، مگر اینکه:

---

1 General POA
2 Power of Attorney : Types, Important Clauses and Meaning 2025 at: https://www.nobroker.in/blog/power-of-attorney-explained
3 Durable POA
4 Principal
۵ "Durable Power of Attorney" یا وکالت‌نامه دائمی یک سند حقوقی است که به نماینده (Agentیا Attorney-in-Fact) این اختیار را می‌دهد که در امور مالی یا پزشکی به نمایندگی از موکل (Principal)عمل کند و برخلاف یک وکالت‌نامه عمومی(General POA) ، با ناتوانی (Incapacity) یا از کار افتادگی موکل باطل نمی‌شود. انواع این وکالتنامه عبارتند از:
Durable Power of Attorney for Finances: به نماینده اجازه می‌دهد تا حساب‌های بانکی را مدیریت کند، صورتحساب‌ها را بپردازد، سرمایه‌گذاری کند و سایر امور مالی را اداره نماید .
Durable Power of Attorney for Health Care (یاHealth Care Proxy) :به نماینده اجازه می‌دهد تا تصمیمات پزشکی مهم را زمانی که موکل قادر به انجام این کار نیست، بگیرد (مانند انتخاب روش درمان، پذیرش در آسایشگاه و...).
قابل دسترسی در نشانی:
https://www.nolo.com/legal-encyclopedia/durable-power-of-attorney-health-finances-29579.html
6 Agent
7 https://www.brainscape.com/flashcards/restatement-of-the-law-agency-3rd-sec-7-11491369/packs/20272621
8 fiduciary relationship
9 Non-Delegation/Delegatus non potest delegare
10 Subagent

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۱- صریحاً در سند وکالتنامه اجازه داده شده باشد: اگر وکالت‌نامه به صراحت به وکیل اجازه تفویض[1] داده باشد .مثلاً با عبارت «با حق توکیل به غیر»[2] یا «با حق تفویض اختیار»[3].

۲- ضرورت عملی وجود داشته باشد: در مواردی که تفویض برای انجام وظایف امری ضروری و عرفی باشد (مثلاً یک وکیل دادگستری برای کارهای روتین از یک کارمند اداری استفاده کند، اگرچه این مورد نیازمند تفکیک دقیق میان «تفویض اختیار» و «کمک گرفتن» است).[4]

اگر وکیل بدون مجوز، اختیارات اصلی خود را تفویض کند، هرگونه عملی که توسط وکیل فرعی انجام شود، در اکثر حوزه‌های قضایی کامن‌لا، یا باطل بوده یا صرفاً به عنوان اقدام وکیل اصلی تلقی می‌شود که مسئولیت آن را به عهده می‌گیرد، نه اینکه یک رابطه حقوقی مستقل بین موکل اصلی و وکیل فرعی ایجاد کند.[5]

۲ .تفاوت‌های ساختاری و تأثیر آن بر بانک‌ها

در انگلستان، اگر سند وکالتنامه اجازه تفویض ندهد، وکیل ممکن است در قبال موکل به دلیل نقض وظیفه امانتداری[6] مسئول باشد، اما عمل انجام شده توسط وکیل ثانوی[7] ممکن است همچنان در برابر اشخاص ثالث حسن نیت[8] ، یعنی بانک، معتبر تلقی شود، به ویژه اگر بانک بدون اطلاع از محدودیت‌های درونی نمایندگی عمل کرده باشد[9]. (بهشتی و دیگران، ۲۰۲۴)

اما در نظام ایران، نبود اذن صریح در تفویض، موجب بطلان نمایندگی از موکل می‌شود. اعتبار سند به دلیل فقدان رکن اساسی نمایندگی (اذن در توکیل) مورد خدشه قرار می‌گیرد، نه صرفاً به دلیل نقض وظیفه امانتداری. (پولادی و دیگران، ۱۴۰۱) این تفاوت ساختاری باعث می‌شود که بانک ایرانی در مواجهه با اسناد تفویضی، ریسک عدم نفوذ اعمال را بالاتر ارزیابی کند.

---

1 Subdelegation
2 with the power to substitute
3 with the power to delegate
4 Chitty on Contracts, Vol. 1, Agency at: https://www.amazon.com/Chitty-Contracts-35th-Professor-Beale/dp/0414117409
5 https://www.lexisnexis.co.uk/legal/guidance/sub-agency
6 Breach of Fiduciary Duty
7 Sub-agent
8 Bona Fide Third Party
9 https://www.oxfordlawtrove.com/display/10.1093/he/9780199284481.001.0001/he-9780199284481-chapter-7?d=%2F10.1093%2Fhe%2F9780199284481.001.0001%2Fhe-9780199284481-chapter-7&p=emailAQG9LS1R482Oc

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۳. وکالت و تفویض در حقوق قراردادهای کامن لا[1]

رابطه وکالت یکی از ستون‌های حقوق قراردادهای کامن لا است که به موجب آن یک شخص (وکیل) مجاز است از طرف شخص دیگری (موکل) با اشخاص ثالث تعامل حقوقی برقرار کند و موکل را در برابر آن اشخاص متعهد سازد. این رابطه بر اساس اعتماد و اختیارات تفویض شده بنا شده است و برای تسهیل تجارت و فعالیت‌های اقتصادی بسیار حیاتی است.

ماهیت رابطه وکالت، ایجاد یک پیوند حقوقی بین موکل و شخص ثالث است که وکیل صرفاً به عنوان واسطه‌ای مجاز عمل می‌کند. حقوق کامن لا، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند قراردادها، مالکیت و مسئولیت مدنی[2]، چارچوب دقیقی برای تعریف حدود اختیارات، تعهدات متقابل و نحوه انحلال این رابطه ارائه می‌دهد.

۱- ایجاد رابطه وکالت[3]

رابطه وکالت می‌تواند به شیوه‌های مختلفی ایجاد شود که هر کدام مبانی حقوقی متفاوتی دارند. این شیوه‌ها تعیین‌کننده اعتبار اقدامات وکیل در الزام‌آور ساختن موکل هستند.

الف) وکالت قراردادی[4]

رایج‌ترین شیوه ها، توافق صریح یا ضمنی بین موکل و وکیل است. این توافق، هسته اصلی اختیارات وکیل را تشکیل می‌دهد.

اختیارات صریح[5]: اختیاراتی که به طور واضح و با کلمات بیان شده، چه به صورت شفاهی و چه کتبی، در قرارداد وکالت یا اسناد مرتبط. این اختیار باید به اندازه کافی مشخص باشد تا شخص ثالث بتواند بر اساس آن با وکیل وارد معامله شود.

اختیارات ضمنی[6]: اختیاراتی که مستقیماً بیان نشده‌اند اما از ماهیت شغلی که موکل به وکیل محول کرده یا عرف تجارت[7] استنباط می‌شوند.

مثال: اگر موکل یک شرکت فروش مواد غذایی، یک مدیر فروش استخدام کند، مدیر فروش به طور ضمنی اختیار دارد که قیمت‌ها را در محدوده عرف بازار مذاکره کند، حتی اگر قرارداد صریحاً به او

---

1 Agency and Delegation in Common Law Contract Law
2 Torts
3 Creation of Agency
4 Contractual Authority
5 Express Authority
6 Implied Authority
7 Custom of the Trade

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

اجازه "مذاکره قیمت" را نداده باشد .اختیارات ضمنی برای اطمینان از کارآمدی رابطه وکالت ضروری هستند و برای انجام وظایف اصلی که به وکیل سپرده شده، باید وجود داشته باشند (Beale, 2018, p. 450).

ب) وکالت تفویضی[1]

این حالت زمانی رخ می‌دهد که فردی بدون داشتن اختیار قانونی یا قراردادی اولیه (یا فراتر از اختیارات موجود)، اقدامی را به نمایندگی از دیگری انجام دهد. مراحل لازم برای تحقق وکالت تفویضی عبارتند از:

۱- اقدام بدون اختیار :وکیل (یا شبه وکیل) باید اقدامی انجام داده باشد که به ظاهر به نمایندگی از موکل بوده است.

۲- آگاهی کامل موکل :موکل باید از تمام جزئیات مهم معامله یا اقدام صورت گرفته، پیش از تأیید، آگاه باشد. اگر موکل از حقایق کلیدی بی‌اطلاع باشد، تأیید او باطل است.

۳- تأیید کامل و بدون قید و شرط :موکل باید کل عمل وکیل را تأیید کند و نمی‌تواند فقط بخش‌های مفید آن را بپذیرد و بخش‌های مضر را رد کند.

۴- فوریت :تأیید باید در یک بازه زمانی معقول صورت گیرد.

مهم‌ترین جنبه این نوع وکالت، اثر رجوعی[2] آن است. پس از تأیید[3] ، رابطه حقوقی منعقد شده، به گونه‌ای تلقی می‌شود که گویی وکیل از ابتدا اختیار انجام آن را داشته است .این اصل، موکل را ملزم می‌سازد که در صورت پذیرش، مسئولیت کامل را بر عهده بگیرد.(Peel, 2020, p. 701)

ج) وکالت بر اساس ظاهر[4]

این مبنا کاملاً بر اساس رفتار موکل و تأثیر آن بر شخص ثالث ثالث بنا شده و ارتباطی به اختیار واقعی وکیل ندارد. هدف آن حمایت از اعتماد مشروع اشخاص ثالث در معاملات تجاری است. (Treitel, 2023)

اجزای اصلی این نوع وکالت عبارتند از:

1 Agency by Ratification
2 Retroactive Effect
3 Ratification
4 Apparent Authority or Ostensible Authority

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۱- اظهار موکل :[1] موکل باید از طریق گفتار، نوشتار یا سکوت خود به شخص ثالث این‌گونه القا کند که وکیل دارای اختیار است.

۲- اتکا :[2] شخص ثالث باید به طور منطقی و بر اساس اظهار موکل، بر وجود چنین اختیاری اتکا کرده و اقدام به انعقاد قرارداد نماید.

۳- تغییر وضعیت :[3] شخص ثالث باید به واسطه این اتکا، وضعیت حقوقی خود را تغییر داده باشد (مثلاً با پرداخت وجه یا ورود به تعهد).

اگر این شرایط برقرار باشند، موکل در برابر شخص ثالث ملزم به ایفای تعهدات است، حتی اگر اختیار واقعی به وکیل نداده باشد. با این حال، این امر می‌تواند بین موکل و وکیل منجر به مطالبه خسارت[4] شود. بر این اساس، اگر فردی با رفتار خود این اطمینان را به دیگری بدهد که شخص دیگری نماینده اوست، نمی‌تواند بعداً در مقابل طرف سوم، از اینکه آن شخص نماینده نبوده، دفاع کند (Christoforou, 2017, p. 189).

۲- تعهدات اصلی وکیل در قبال موکل

رابطه وکالت، یک رابطه امانی[5] است که بر مبنای اعتماد بالاترین سطح مسئولیت اخلاقی و حقوقی را بر دوش وکیل قرار می‌دهد. این رابطه شامل: وظیفهٔ وفاداری، اجتناب از تعارض منافع و سایر تعهدات است.

الف) وظیفه وفاداری[6]

این وظیفه بنیادین‌ترین تعهد وکیل است. وکیل موظف است همواره و منحصراً در جهت منافع موکل عمل کند. این وظیفه شامل:

۱- عدم کسب منافع غیرمجاز :به این معنا که وکیل نباید هیچ سودی را از معاملات مربوط به وکالت خود، بدون اطلاع و رضایت صریح موکل، به دست آورد.

۲- عدم رقابت : یعنی وکیل نباید در همان زمینه‌ای که وکالت می‌کند، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موکل رقابت کند.(Peel, 2020, p. 674)

---

1 Representation
2 Reliance
3 Change of Position
4 Indemnity
5 Fiduciary Relationship
6 Duty of Loyalty

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

ب) وظیفه اجتناب از تعارض منافع[1]

وکیل نمی‌تواند در معاملاتی که منافع شخصی‌اش با منافع موکل تداخل دارد، دخالت کند، مگر اینکه موکل به طور کامل از ماهیت تعارض آگاه شده و با آن موافقت کند .اگر وکیل اقدام به معامله با خود [2]یا نمایندگی دو طرف[3] نماید، قرارداد می‌تواند توسط موکل فسخ شده و وکیل ملزم به بازگرداندن هرگونه سودی شود که از این تعارض به دست آورده است .هر گونه منفعت شخصی که وکیل در حین اجرای وظیفه خود کسب می‌کند، در صورتی که موکل از آن بی‌اطلاع باشد، به منزله خیانت به اعتماد تلقی شده و تحت حاکمیت قوانین امانت قرار می‌گیرد. (Peel, 2020, p. 675)

ج) سایر تعهدات

از دیگر تعهدات وکیل وظیفه دقت و مهارت[4] است. به این معنا که وکیل باید با دقتی انجام وظیفه دهد که از یک فرد در آن حرفه مورد انتظار است. وظیفه اطاعت [5] تعهد دیگری است که بر دوش وکیل نهاده شده است. با این توضیح که وکیل موظف است دستورالعمل‌های معقول و قانونی موکل را اجرا کند.

۳- تفویض وکالت[6]

تفویض اختیار، فرآیندی است که طی آن وکیل تلاش می‌کند اجرای وظایف محوله به خود را به شخص ثالثی واگذار کند. در حقوق کامن لا، این امر با محدودیت‌های شدیدی روبرو است. یک قاعدهٔ اصلی در تفویض وکالت در حقوق کامن لا وجود دارد. این قاعده لاتین به معنای "کسی که تفویض اختیار شده است، نمی‌تواند خود اختیار را تفویض کند"[7]، هسته اصلی محدودیت تفویض را تشکیل می‌دهد. منطق حاکم بر این قاعده این است که، هنگامی که موکل، وکیلی را منصوب می‌کند، این انتخاب اولاً: بر پایه اعتماد شخصی [8] به مهارت‌ها، قضاوت و صداقت آن وکیل خاص صورت گرفته است و ثانیاً: موکل انتظار دارد که وظایف اصلی توسط خود فرد منتخب انجام شود. بنابراین، تفویض اختیار بدون رضایت موکل، نقض ضمنی این اعتماد شخصی محسوب می‌شود. (Treitel, 2023)

1 Duty to Avoid Conflict of Interest
2 Self-Dealing
3 Dual Agency
4 Duty of Care and Skill
5 Duty to Obey Instructions
6 Delegation of Authority
7 Delegatus Non Potest Delegare
8 Personal Trust

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

وضعیت حقوقی وکیل ثانوی:[1]

اگر تفویض اختیار به درستی صورت نگیرد (مثلاً بدون اجازه موکل و بدون وجود استثنا)، روابط حقوقی پیچیده می‌شود:

اولاً: وکیل ثانوی صرفاً در برابر وکیل اصلی مسئول است و معمولاً رابطه وکالت مستقیمی با موکل اصلی ندارد. **ثانیاً:** موکل اصلی معمولاً در برابر اقدامات وکیل ثانوی، مسئول نیست، زیرا هیچ رابطه وکالت مستقیمی بین آن‌ها ایجاد نشده است. با این وجود، رویه قضایی کامن لا، برای جلوگیری از انسداد معاملات تجاری، استثنائاتی را بر قاعده قائل شده است. این استثنائات عبارتند از:

۱ . اجازه صریح یا ضمنی موکل

اگر موکل صراحتاً در قرارداد وکالت، اجازه تفویض اختیار را داده باشد، تفویض معتبر است. این اجازه می‌تواند از عرف صنعت استنباط شود. برای مثال، در معاملات بزرگ ملکی، استفاده از مشاوران فرعی یا کارشناسان قیمت‌گذاری که به طور معمول در معاملات مشابه استفاده می‌شوند، به صورت ضمنی مجاز تلقی می‌گردد. اگر اختیار وکالت به گونه‌ای باشد که اجرای آن بدون کمک دیگری عملاً غیرممکن باشد، دادگاه‌ها وجود اجازه ضمنی را محتمل می‌دانند.(Beale, 2018, p. 472)

۲ .تفویض به دلیل ضرورت[2]

در شرایطی که اجرای وظیفه بدون واگذاری بخشی از آن به دیگری غیرممکن یا غیرمنطقی باشد، تفویض مجاز است. این استثنا شامل: فوریت‌های اضطراری، مانند انجام کارهای فنی لازم برای حفظ اموال موکل در شرایط بحرانی و نیاز به تخصص است. یعنی زمانی که وظیفه نیازمند مهارت‌های تخصصی است که وکیل اصلی فاقد آن است و موکل از این محدودیت آگاه بوده یا باید آگاه می‌بوده است.

۳ .وظایف اجرایی صرف[3]

اگر اختیاری که به وکیل تفویض شده، صرفاً ماهیت اجرایی[4] داشته باشد و شامل اعمال قضاوت، تصمیم‌گیری شخصی، یا اعمال اختیارات تراستیک [5] نباشد، وکیل مجاز است آن را واگذار کند. به

1 Sub-Agent
2 Necessity
3 Ministerial Acts
4 Mechanical
5 Fiduciary Discretion

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

عنوان مثال: وکیلی که وظیفه دارد اسناد را از یک دفتر به دفتر دیگر منتقل کند، می‌تواند این عمل حمل و نقل را به پیک بسپارد، زیرا این عمل نیازمند قضاوت حقوقی نیست. (McKendrick, 2019) رابطه وکالت در حقوق کامن لا، توازنی دقیق بین اعطای قدرت به عاملان برای پیشبرد اهداف تجاری و حفاظت از منافع موکلین از طریق وظایف امانی ایجاد می‌کند. در حالی که اختیارات ظاهری مکانیزمی برای حمایت از اشخاص ثالث است، قاعده مزبور مرزهای قدرت وکیل را در تفویض اعمال نفوذ خود مشخص می‌کند، و تنها در شرایطی که اعتماد موکل یا ضرورت تجاری اجازه دهد، وکلای ثانوی وارد مدار قانونی می‌شوند. (Beatson, 2021)

بخش سوم: ارزیابی اعتبار اسناد تفویضی در رویه بانکی ایران

نظام ثبت رسمی ایران با اجباری کردن تنظیم برخی وکالت‌ها در دفاتر اسناد رسمی، فرآیند احراز هویت و اهلیت را تحت نظارت قرار می‌دهد. در این صورت بانک‌ها اطمینان دارند که موکل اصلی در زمان تنظیم سند، اهلیت داشته و سند رسمی است. اما ایراد آن این است که این نظارت ثبت رسمی، به صورت زنجیره‌ای اعمال نمی‌شود. سردفتر دوم فقط باید اطمینان حاصل کند که وکیل اول، وکالتنامه اصلی رسمی را ارائه داده است. او لزوماً اختیار بررسی اینکه آیا مفاد وکالتنامه اصلی شامل اجازه تفویض بوده است یا خیر، به سادگی اسناد بانکی را فراتر نمی‌برد. این عدم شفافیت در مرحله دوم نمایندگی، ریسک را به سیستم بانکی منتقل می‌کند. اگر بانک در اخذ تأییدیه کتبی از موکل اصلی مبنی بر اذن تفویض موفق نشود، با ابهام مواجه است. با این حل برخی الزامات در این باره وجود دارند که عبارتند از:

۱ .الزامات نهاد ناظر بانکی نسبت به اسناد وکالت

بانک‌ها موظفند بر اساس بخشنامه‌های بانک مرکزی و مقررات نظارتی، از صحت و اعتبار ضمانت‌ها و وثایق اطمینان حاصل کنند. در این راستا، پذیرش اسناد وکالت نیازمند رعایت دقیق مواد قانونی است.

بانک‌ها معمولاً در تسهیلات کلان، درخواست می‌کنند که وکالت‌نامه صراحتاً شامل اختیارات مربوط به انعقاد قرارداد تسهیلات، ترهین اموال، و انتقال مالکیت در صورت نکول باشد. در صورت وجود تفویض، بانک‌ها باید موارد زیر را از هم تفکیک کنند:

۱- تفویض وکالت :اگر وکیل اصلی تفویض کرده باشد، بانک باید سند رسمی تفویض را مطالبه کند و مطمئن شود که وکالتنامه اصلی اجازه این کار را داده است.

۲- نمایندگی از طرف وکیل ثانوی به عنوان کارمند وکیل اصلی: اگر تفویض صورت نگرفته و وکیل ثانوی صرفاً به دستور وکیل اصلی عمل کرده باشد، وکیل دوم نماینده موکل اصلی نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

هرگونه امضای او در اسناد بانکی (مانند سند رهنی)، تنها در صورتی بر موکل اصلی لازم‌الاجرا است که موکل اصلی آن را تنفیذ کرده باشد.

۲ .تحلیل ریسک عدم نفوذ

ریسک عدم نفوذ اسناد تفویضی در نظام بانکی ایران، مستقیماً با ماده ۶۷۸ قانون مدنی گره خورده است. اگر دادگاه در آینده تشخیص دهد که وکیل اصلی حق تفویض به وکیل ثانوی را نداشته، سند رسمی تنظیمی توسط وکیل ثانوی، فاقد اثر حقوقی علیه موکل اصلی خواهد بود.

به عنوان مثال: موکل یک قطعه زمین را برای اخذ تسهیلات به وکیل خود (وکیل اصلی) وکالت می‌دهد. وکیل اصلی به دلیل مسافرت، از دوست خود (وکیل ثانوی) می‌خواهد سند رهنی را امضا کند، بدون آنکه در وکالتنامه اذن صریح تفویض باشد. بانک تسهیلات را می‌دهد. اگر موکل بعداً فوت کند، وراث می‌توانند ادعا کنند که وکیل اصلی مجاز به تفویض به وکیل ثانوی نبوده است؛ بنابراین، امضای وکیل ثانوی بر سند رهنی، امضای فضولی تلقی شده و در حکم عدم تنظیم سند رسمی معتبر برای تملیک اموال است.

این امر مستلزم آن است که بانک‌ها در معاملات حساس، علاوه بر سند رسمی وکالت، اظهارنامه مستقلی از موکل اصلی دریافت کنند که تفویض انجام شده توسط وکیل اصلی را تنفیذ و تأیید نماید. این کار عملاً نوعی «نمایندگی ثانویه با اذن مجدد» ایجاد می‌کند که بار نظارتی سنگینی بر سیستم بانکی تحمیل می‌کند. نگاهی اجمالی به تجربیات بین المللی نشان دهنده گسترهٔ وسیعی از ساختارهای نهادی است. برخی از کشورها سازمان واحدی برای نظارت احتیاطی تأسیس نموده اند در حالی که برخی دیگر، نهادهای نظارتی تخصصی مختلف را برای سیستم نظارتی و تنظیمی بازارهای مالی برگزیده اند. (موسوی ایوانکی و همکاران، ۱۴۰۴، ص۱۶۹)

۳ .راهکارهای پیشنهادی برای افزایش اعتبار اسناد بانکی

برای کاهش ریسک ناشی از ابهامات تفویض وکالت در اسناد رسمی، اصلاحات زیر در رویه بانکی پیشنهاد می‌شود:

الف) **الزام به ذکر تصریح در وکالتنامه‌های بانکی :**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند با تهیه فرم‌های استاندارد برای وکالت‌های بانکی، الزام نماید که اگر موکل تمایل به تفویض دارد، باید صراحتاً در سند، شخص یا اشخاص مجاز به توکیل را مشخص کند؛ و اگر تمایلی به تفویض ندارد، این عدم اجازه به صراحت قید شود (اصل ممنوعیت تفویض تقویت شود).

ب) **رویه تأیید در زمان تفویض :**در صورت لزوم تفویض، دفاتر اسناد رسمی باید در تنظیم سند تفویض جدید، از طریق سامانه سازمان ثبت، صحت وکالتنامه اصلی را استعلام و در صورت فقدان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

اذن، از تنظیم سند تفویض خودداری کنند، مگر اینکه سند جدیدی (به عنوان تنفیذ) با امضای موکل اصلی تنظیم شود.

ج) **استفاده از مفهوم نمایندگی جانشین در کامن‌لا (به صورت تطبیقی) :**در صورت اذن در تفویض، وکیل ثانوی باید به عنوان «نماینده جانشین» شناخته شود که اعتبارش مستقیم از موکل سرچشمه می‌گیرد و نه صرفاً به عنوان نماینده وکیل اول. این نیاز به تدوین رویه‌های قضایی دارد که اعمال وکیل ثانوی با اذن صریح را مستقیماً لازم‌الاجرا بر موکل تلقی کند، حتی اگر وکیل اول فوت کرده باشد (مگر آنکه ماهیت وکالت قائم به شخص وکیل اول باشد).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تلفیق تحلیل‌های پیشین در خصوص حقوق ایران و مفاهیم نوین وکالت در کامن‌لا، به این نتیجه قطعی می‌رسد که تفاوت اصلی میان دو نظام حقوقی در مکانیسم اعتباربخشی به اقدامات نمایندگان و مفهوم اعتماد در فرآیند تفویض اختیار نهفته است. در حالی که هر دو نظام بر اهمیت نمایندگی برای تسهیل تجارت صحه می‌گذارند، رویکرد آن‌ها به مدیریت ریسک‌های ناشی از تفویض اختیارات، ساختارهای متفاوتی را رقم زده است.

۱. تفاوت ماهوی در اعتباربخشی به اعمال نماینده:

در کامن‌لا، سیستم بر پایه‌ی حفاظت از اشخاص ثالث با حسن نیت و حفظ جریان تجارت بنا شده است. این امر با استفاده از مفاهیمی مانند «اختیار ظاهری» و «وکالت تفویضی» محقق می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی اگر اختیار واقعی وجود نداشته باشد، رفتار موکل می‌تواند او را ملزم سازد. همچنین، در مورد تفویض به وکیل ثانوی، در صورت وجود استثنائات (مانند ضرورت یا عرف صنعت)، اعتبار عمل در برابر طرف سوم حفظ می‌شود، هرچند وکیل اصلی در برابر موکل به دلیل نقض وظایف امانی (وفاداری، دقت و اطاعت) مسئول است. این رویکرد، مسئولیت را در سطح رابطه داخلی (وکیل-موکل) متمرکز می‌کند و اعتبار رابطه خارجی (وکیل-شخص ثالث) را تقویت می‌نماید.

در مقابل، حقوق ایران، با تکیه بر اصل «لزوم اذن صریح» در تفویض (ماده ۶۷۸ ق.م)، بر حفظ مطلق اراده موکل اولیه تأکید دارد. فقدان اذن صریح، مستقیماً منجر به بطلان نمایندگی در برابر موکل می‌شود. این رویکرد، هرچند چارچوب شفاف‌تری را برای تعریف حدود قدرت وکیل فراهم می‌آورد، اما در عمل، در مواجهه با معاملات پیچیده و زنجیره‌ای که نیازمند توکیل‌های متعدد هستند، منجر به افزایش ریسک حقوقی و احتمال ابطال معاملات توسط موکل اصلی می‌شود.

۲. پیامدهای عملی برای تجارت و نظام مالی:

این تضاد ساختاری، نتایج عملی قابل توجهی در محیط کسب‌وکار ایجاد می‌کند:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

قابلیت پیش‌بینی‌پذیری در کامن‌لا: تجار و مؤسسات مالی در حوزه کامن‌لا می‌توانند با اتکا به رویه‌های قضایی مربوط به «اختیار ظاهری»، با اطمینان بیشتری با نمایندگان شرکت‌ها وارد معامله شوند، زیرا دادگاه‌ها اغلب برای حفظ ثبات معاملات، اعتبار نمایندگی را تأیید می‌کنند.

ریسک اعتباری در حقوق ایران: بانک‌ها و نهادهای مالی در ایران هنگام پذیرش وثایق یا ضمانت‌نامه‌هایی که از طریق زنجیره‌های نمایندگی (وکیل در توکیل) اخذ شده‌اند، با چالش جدی اثبات اعتبار هر مرحله از تفویض روبرو هستند. این امر نیازمند سخت‌گیری‌های اداری و قضایی مضاعف برای اطمینان از وجود «اذن صریح» در هر گام است، که به طور بالقوه روند معاملات را کند و پرهزینه‌تر می‌سازد.

۳. جمع‌بندی نهایی:

در نهایت، می‌توان گفت که وکالت در کامن‌لا یک ابزار انعطاف‌پذیر و کارآمد برای تفویض قدرت در جهت تسریع تجارت است که نهایتاً اعتماد را بر اساس ظاهر و ضرورت نیز به رسمیت می‌شناسد، در حالی که تعهدات داخلی وکیلان را به شدت تقویت می‌کند. در نقطه مقابل، حقوق ایران یک مدل سخت‌گیرانه و مبتنی بر کنترل مطلق موکل بر نمایندگی ارائه می‌دهد که بهای آن، کاهش سرعت و پیچیدگی حقوقی در معاملات مبتنی بر نمایندگی‌های چند مرحله‌ای است.

اعتبار سند رسمی در ایران تضمین‌کننده اراده موکل در زمان تنظیم است، اما این تضمین در مرحله تفویض، به دلیل عدم وجود نظارت مستمر و لزوم استعلام دقیق از محتوای اذن تفویض در هر مرحله، دچار سستی می‌شود. نظام بانکی ایران برای حفظ اطمینان کامل در معاملات کلان، نیازمند شفاف‌سازی رویه‌های قضایی در تفسیر «اذن صریح» و همچنین تدوین مقررات داخلی سخت‌گیرانه‌تر جهت مطالبه مستندات تنفیذ یا اذن صریح در هر سطح از تفویض است، تا ریسک عدم نفوذ اسناد وثیقه و ضمانت را به حداقل برساند.

برای نظام حقوقی ایران، درس گرفتن از مکانیزم‌های حمایتی کامن‌لا از اشخاص ثالث (بدون نادیده گرفتن اصل حاکمیت اراده) می‌تواند راهگشای ایجاد توازن میان حمایت از موکل و تسهیل تجارت مدرن باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

منابع

۱. امامی، اسدالله .(۱۳۸۵) .حقوق مدنی .تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. بندری، محمدحسین .(۱۳۹۶) .حقوق اسناد رسمی و دفاتر اسناد رسمی .تهران: انتشارات سمت.
۳. پارساپور، محمدباقر و عیسائی تفرشی، محمد.(۱۳۹۰)، تفویض در حقوق اسلام و ایران، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱۵ (۱)، ۱۴۵-۱۲۷
۴. پولادی، علی، غلامی، جهانبخش و قنبرپور، بهنام. (۱۴۰۱)، بررسی تحلیلی ماهیت توکیل و تفویض وکالت در حقوق ایران، مبانی فقهی حقوق اسلام، ۱۵ (۲۹)، صص ۴۸۹-۴۷۹
۵. شهیدی، مهدی. (۱۳۹۹) .آثار قراردادها و تعهدات .تهران: انتشارات مجد.
۶. عیسائی تفرشی، محمدباقر. (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، ج۱، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۷. قربانی، محمدجعفر .(۱۳۸۸) .حقوق مدنی: شرح جامع قانون مدنی .تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. کاتوزیان، ناصر .(۱۳۹۸) .عقود معین .تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. موسوی ایوانکی، سید مصطفی؛ فلاح شمس، میرفیض و حنیفی، فرهاد. (۱۴۰۴). ارائه الگوی نظارت مبتنی بر ریسک بر بانک ها و مؤسسات اعتباری با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری. فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۵۰، صص ۲۰۶-۱۶۵
۱۰.قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۰۷).
۱۱.قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی).

عربی:

۱۲. انصاری، مرتضی .(۱۳۷۲). مکاسب (با حواشی میرزا فتاح شهیدی تبریزی)، ج۲، تبریز: مطبعه اطلاعات.
۱۳. انصاری، شیخ محمدعلی. (۱۴۲۰). الموسوعه الفقهیه المیسره (ج. ۱). مجمع فکر اسلامی.
۱۴. توحیدی، محمدعلی. (۱۳۶۶). مصباح الفقهامه. ج۶، قم: انتشارات حاجیانی.
۱۵. جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۰۶). الفقه علی المذاهب الاربعه، ج۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴). تذکره الفقها (ج. ۱۴). مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۱۷. حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۸). مختلف الشیعه (ج. ۶). مؤسسه نشر اسلامی.
۱۸. خمینی، روح الله (۱۳۷۹). تحریرالوسیله، ج۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۳). منهاج الصالحین (ج. ۲). قم: مدینه العلم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]

۲۰. سیستانی، سیدعلی. (۱۴۱۴). المسائل المنتخبه. مکتب آیت ا... العظمی السید السیستانی.
۲۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱۳۸۷). شرح اللمعه (ج. ۴). قم: مطبعه الآداب.
۲۲. طوسی، محمدبن علی بن حمزه.(۱۴۰۸). الوسیله الی نیل الفضیله، قم: انتشارات مکتبه آیت اله العظمی نجفی مرعشی.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن. (۱۳۸۷). مبسوط فی‌الفقه الامامیه (ج. ۱). تهران: المکتبه المرتضویه.
۲۴. غروی اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۱۹). حاشیه کتاب المکاسب، ج۴، قم: دارالمصطفی لاحیاء التراث.
۲۵. کوزه پانکی، صالح (۱۹۸۵). تحفه الطالبین (فی قسم المعاملات من فقه الشافعی)، موصل: مکتبه بسام.
۲۶. یزدی، سیدمحمدکاظم طباطبایی. (۱۴۲۰). العروه الوثقی (ج. ۶). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
27. Beale, H. G. (Ed.). (2018). "CHITTY ON CONTRACTS" (33rd ed., Vol. 1). Sweet & Maxwell.
28. Beatson, J. (2021). "The scope of implied authority in agency". In RESTATING THE LAW OF AGENCY: A COMPARATIVE ANALYSIS. Cambridge University Press.
29. Burrows, A. (2020). "Agency, authority, and the problem of ratification". LAW QUARTERLY REVIEW, 136, 17–28.
30. CHRISTOFOROU, D. (2017). "COMMERCIAL LAW: TEXT, CASES AND DATA" (2ND ED.). CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS.
31. Chitty, J. (2023). "Chitty on contracts" (34th ed.). Sweet & Maxwell.
32. Flenley, B., & Hale, K. (2022). "Commercial law: Text, cases and data" (5th ed.). Oxford University Press.
33. Peel, E. (2020). "TREITEL ON THE LAW OF CONTRACT" (15th ed.). Sweet & Maxwell.
34. Power of Attorney: Types, Important Clauses and Meaning 2025 At:https://www.nobroker.in/blog/power-of-attorney-explained.
35. Reza Beheshti, Séverine Saintier , and Sean Thomas (2024), Principal and agent At: https://doi.org/10.1093/he/9780199284481.003.0007.
36. Treitel, G. H. (2023). "The Law of contract" (15th ed.). Sweet & Maxwell.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-13]